

سطح‌بندی مشارکت‌های شهروندی محله‌مدار در نظام مدیریت شهری

(مطالعه موردی: شهر بوکان)

عطا غفاری گیلانده^۱

چیمین موسی‌زاده^۲

نوید آهنگری^{۳*}

چکیده

با توجه به افزایش جمعیت شهرنشین در چند دهه گذشته، چنانچه بخواهیم در توسعه شهرها، پاسخگوی نیازات امروزی و سهم نسل‌های آینده از منابع باشیم، باید اداره شهرها را بر پایه مشارکت آگاهانه شهروندان برنامه‌ریزی کنیم. یکی از این زمینه‌ها، مشارکت‌های شهروندی محله‌مدار در نظام مدیریت شهری می‌باشد که هدف اصلی تدوین این مقاله است. روش پژوهش، توصیفی، تحلیلی و پیمایشی می‌باشد و برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزار مصاحبه و پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شده است که ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای پایایی آن ۰/۸۶ و روایی آن از طریق پرسش از اساتید، مثبت ارزیابی شد. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تکنیک ویکور استفاده شده است. این مدل برای ارزیابی گزینه‌هایی به کار می‌رود که هم‌زمان به یک اولویت‌بندی در معیارها دست می‌زنند و در نهایت مبنایی برای نتیجه‌گیری‌های آتی قرار می‌گیرند. جامعه آماری، جمعیت شهر بوکان در سرشماری ۱۳۹۰ (۱۷۱۷۷۳ نفر) می‌باشد. نمونه آماری با توجه به فرمول کوکران ۳۸۳ نفر محاسبه گردید که جهت کاهش خطا ۴۰۰ نفر به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. نتایج حاصل نشان می‌دهد که شهروندان از میزان مشارکت در سطح محلات سکونت خود راضی نیستند که این نشان‌دهنده عدم مشارکت مردم در کارهای صورت گرفته در محدوده محله خود است. همچنین نقش نهادها (سازمان‌های غیردولتی، شوراها و انجمن‌ها) در سطح دوم نارضایتی شهروندان قرار دارد. سطح نهایی نارضایتی‌ها در گروه مدیریت شهری می‌باشد که با توجه به امتیازات اخذ شده در مدل، رضایت نسبی شهروندان از عملکرد مدیران شهری را نشان می‌دهند. به دلیل اینکه در این مقاله، بیشتر به میزان مشارکت شهروندان در اداره محله خود پرداخته شده است، عملکرد یا عدم‌عملکرد مدیران شهری نمی‌تواند نشان‌دهنده شهری بهینه باشد؛ بنابراین، با ایجاد نهادهای مختلف در سطح محله می‌توان ارتباط پایداری بین ساکنان محلات و مدیران شهری (شورا و شهرداری) برقرار کرد.

واژه‌های کلیدی: مشارکت شهروندی، محله‌مداری، مدیریت شهری، مدل ویکور، شهر بوکان

طبقه‌بندی JEL : N95, R11, Z19, R15

۱ - استادیار گروه برنامه‌ریزی شهری و روستایی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

۲ - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

۳ - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، مسئول مکاتبات:

Ahangari.sh@gmail.com

۱- مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است و بر همین اساس به زندگی اجتماعی روی آورده است. زندگی اجتماعی نیز همواره بر پایه مساعدت و مشارکت استوار بوده است. بنابراین، مشارکت از دیرباز با زندگی انسان پیوند داشته و همواره روند تکاملی را پیموده است (زیاری، ۱۳۸۸). امروزه، مشارکت شهروندی، مفهوم جدیدی نیست. در فرایند تاریخی، مشارکت، مفهومی است که براساس شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، شکل گرفته (میرموسوی، ۱۳۷۵) و ریشه‌های آن را می‌توان در دولت شهرهای یونان باستان جستجو کرد. در عصر حاضر، همزمان با مهم شدن نقش مردم در جامعه، مشارکت در عرصه سیاست و اجتماع در قالب اعطای حق رأی مساوی به همه شهروندان و حق تشکیل گروه‌ها و انجمن‌های مدنی، مجال ظهور یافته است. در حال حاضر، مشارکت شهروندان در امور سیاسی و اجتماعی، اصل پذیرفته شده در تمام کشورهای توسعه‌یافته و بسیاری از کشورهای در حال توسعه است (حبیبی و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۴) و به عنوان یک رویکرد مدیریتی از پایین به بالا در امور شهری برای فعال کردن اعمال نظارت همگانی بر توسعه جامعه، تلقی می‌شود (Momeni et al., 2011).

تجربیات به‌دست آمده از برنامه‌ریزی‌های انجام شده و توسعه‌های محلی صورت گرفته در دهه‌های گذشته نشان می‌دهند که عدم مشارکت مردم، سبب به‌وجود آمدن زیان‌های فراوان شده و جوامع را به سمت توجه به امر مشارکت عمومی سوق داده است (صفری‌شالی، ۱۳۸۲). به طور کلی، مشارکت اجتماعی برای به دست آوردن موفقیت در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ها و پروژه‌ها، زمانی مثمرتر است که بیشتر مردم در فرایند برنامه‌ریزی، دخالت داشته باشند (Sarvarzadeh & Syad Zainol, 2012). یکی از این گونه رویکردهای برنامه‌ریزی، مشارکت‌های شهروندی محله‌مدار در نظام مدیریت شهری می‌باشد. در سال‌های اخیر، بحث احیای اجتماع محله‌ای، مورد توجه بسیاری از صاحب‌نظران واقع شده است. بسیاری بر این باورند که

فرایند گسترش شهرنشینی و مهاجرت بی‌رویه به شهرهای بزرگ و متوسط، الگوی فضایی شهرها را دستخوش تحولات ناخوشایندی کرده است. از دست رفتن بعد انسانی، فضای شهری و بافت سنتی محله‌ای، از جمله پیامدهایی است که به دنبال این مسأله رخ داده است (پیربابایی و سجادزاده، ۱۳۹۰).

نقشی که محله در شهرهای سنتی ایفا می‌کرد، تا حد زیادی متفاوت با نقشی است که محله‌های کنونی در شهرهای امروز به عهده دارند. شهرهای امروزی در چارچوب نظام‌های اجتماعی- اقتصادی خاص دوران شبه‌سرمایه‌داری، شکل گرفته‌اند. از این رو بازشناسی مفهوم محله و نقش آن در شئون گوناگون زندگی شهری و بازبینی و تطبیق نظام محله‌مدار، برحسب مقتضیات جدید در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، یکی از موضوعات مهم در جغرافیای شهری کاربردی، به ویژه در بعد برنامه‌ریزی شهری است که پیامدهای اجتماعی و فضایی بسیاری را به همراه خواهد داشت (عبدالهی و همکاران، ۱۳۸۹). به نظر می‌رسد تحولات رخ داده در دیدگاه‌های مدیریت شهری، برای رویارویی با معضلات جدید شهرنشینی، موجب توجه و تأکید بیش از پیش بر رویکرد مشارکت شهروندان در قالب برنامه‌ریزی محله‌های شهری شده است. این رویکرد، محله را واحدی اجتماعی- فضایی در مقیاس خرد در نظر می‌گیرد که مدیریت شهری می‌تواند بر پایه آن شکل گیرد و منجر به ایجاد محله‌هایی پایدار و با هویت بر مبنای دارایی‌های محلی گردد (نادری بوانلو و پرتوی، ۱۳۸۹). با توجه به این اقتضائات، جامعه شهری و نهادهای محلی شهری، مقامات محلی، شوراهای شهری و به ویژه شهرداری‌ها، در این خصوص، نقش، اهمیت و جایگاه خاصی دارند. نظام مدیریت شهری، شوراهای اسلامی شهرها و شهرداری‌های ایران نیز از این امر مستثنی نیستند (فنی و صارمی ۱۳۹۲). بنابراین به منظور دستیابی به الگوهای مشارکت شهروندان در امور محلی، ابتدا باید بسترها و پیش‌شرط‌هایی که لازمه توانمندسازی گروه‌ها و افراد جامعه هستند، شناسایی شوند تا مشارکت

به کاهش ریسک آتش‌سوزی و افزایش انعطاف‌پذیری بین جامعه و روابط میان ساکنان و سازمان‌های دولتی کمک می‌کند (McGee, 2011).

ایلو^۴ و همکاران (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان «بهبود برنامه‌ریزی محله‌ای، ویژگی‌های فیزیکی، ارزیابی‌شناختی و عاطفی و فعالیت در دو محله در شهر رم؛ پایتخت ایتالیا»، با استفاده از مدل‌های خطی سلسله‌مراتبی نشان دادند که یک روش مؤثر برای شناسایی واحدهای همسایگی می‌تواند به بهبود امکانات تجاری محله و اوقات فراغت مطمئن، تراکم استاندارد ساختمان‌ها و بهبود فضای سبز، کمک کند (Aiello et al., 2010).

سعیدی و اوکتای (۲۰۱۲) در تحقیقی با عنوان «تنوع برای کیفیت بهتر زندگی اجتماعی؛ مطالعه موردی محلات فاماگوستا»^۵ با مطالعه مفهوم تنوع درون‌محله‌ای نشان دادند که در محله‌های شهر فاماگوستا که به تازگی توسعه یافته‌اند، در اشکال زندگی، تنوع وجود ندارد. همچنین در محله‌های مورد مطالعه، افزایش وابستگی آشکار به ماشین، تا حد زیادی مانع استفاده از دوجرخه در درون محلات شده است (Saeidi & Oktay, 2012).

رفعیان و همکاران (۱۳۸۶)، با استفاده از تکنیک مصاحبه عمیق نشان دادند که یکی از دلایل اصلی فقدان روابط اجتماعی در میان ساکنین محلات جلفای تهران، فقدان فضاهای محلی و اجتماعی است که از طریق آن بتوان زمینه ایجاد تعاملات و شبکه اجتماعی قوی و انگیزه لازم در ساکنین محلی، برای مشارکت در طرح‌های محلی را ایجاد کرد.

توکلی‌نیاواستادی‌سیسی (۱۳۸۸)، در پژوهشی با استفاده از روش سلسله‌مراتبی AHP^۶ نشان دادند که محله‌های درکه و اوین به ترتیب از نظر اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و ولنجک از نظر کالبدی، در سطح بالاتر پایداری قرار دارند. همچنین با توجه به تفاوت عملکردی

واقعی به معنای سهیم شدن در تصمیمات تأثیرگذار بر زندگی فردی و اجتماعی به بار نشیند؛ به بیان دیگر، مشارکت بدون شناخت شرایط اجتماعی، نگرش‌ها و رفتارهای افراد در آن شرایط، بی‌معنا است. به همین منظور، مقاله حاضر سعی دارد این رویکرد در امور محلی را در شهر میانی بوکان با استفاده از مدل سطح‌بندی ویکور (VIKOR)^۱ مورد شناسایی و ارزیابی قرار داده و به سؤال زیر پاسخ دهد:

- رتبه‌بندی و وزن هریک از شاخص‌های مشارکت شهروندی محله‌محور با توجه به مدل ویکور در چه سطحی می‌باشند؟

۲- پیشینه تحقیق

لنزی^۲ و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی تحت عنوان «ارتباط اجتماعی محله و مشارکت مدنی نوجوانان، مدلی یکپارچه با هدف توسعه اجتماعی محله‌ای» شیوه‌های مختلف مشارکت مدنی نوجوانان در شهر متوسط‌اندام ایتالیا را مطالعه کردند و سطح مشارکت آنان در امور محله‌ای و ارتباط بین نسلی میان آنان و بزرگسالان را، نسبتاً بالا ارزیابی کردند و این عوامل به تأثیر سیستم‌های اجتماعی در پرورش تعامل مدنی نوجوانان کمک می‌کند (Lenzi et al., 2013).

مک‌گی^۳ (۲۰۱۱) در تحقیقی با عنوان «مشارکت عمومی در سطح محله، آمادگی برای کاهش خطر آتش‌سوزی: مطالعه موردی کانادا، ایالات متحده و استرالیا» با مشارکت ۱۹ خانواده به صورت نیمه‌ساختاری نشان داد که با وجود اختلاف بین سه برنامه در کشورهای مورد مطالعه، مشارکت شهروندی به دلایل تجربه مقابله با آتش‌سوزی، دخالت نهادهای مسئول و حفاظت شخصی از خانواده، مورد استقبال قرار گرفت. نتایج این برنامه‌ها

4 - Aiello
5 - Famagusta
6 - Analytical Hierarchy Process

1 - Vlse Kriterijumsk Optimizacija Kompromisno Resenje
2 - Lenzi
3 - McGee

شورایاریها، محله اوین با شناخت بیشتر مردم و به دلیل ارتباط تنگاتنگ هم‌محله‌ای‌ها با یکدیگر، فعالیت بیشتری داشته و در جهت تحقق اهداف سند توسعه محله‌ای، گام‌های مؤثرتری برداشته است.

مافی و رضوی (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای با عنوان «برنامه‌ریزی استراتژیک توسعه محله‌ای با تأکید بر متغیرهای اجتماعی؛ مطالعه موردی: محله طلاب شهر مشهد» با استفاده از مدل SWOT مشخص کردند که محله طلاب شهر مشهد در موقعیتی رقابتی قرار دارد و باید سعی کند با استفاده از فرصت‌های موجود در محیط بیرونی، به بهبود نقاط ضعف خود بپردازد و در این رابطه باید راهبردهای آشناسازی ساکنین با روش‌های مشارکت را مدنظر قرار دهد.

۳- مبانی نظری

مفهوم محله

پیدایش مفهومی چون محله، دارای تاریخچه‌ای طولانی در نظام شهرنشینی ایران و جهان است و ریشه در زندگی جمعی مردم و ارتباطات اجتماعی آن‌ها دارد (ثقه‌الاسلامی و امین‌زاده، ۱۳۹۲). درباره مفهوم محله، تعریف مورد توافق دقیقی وجود ندارد. این کلمه هم بر حالت فیزیکی مکان و هم بر گروه افرادی که در آن مکان زندگی می‌کنند، اشاره دارد (قاسمی و نگینی، ۱۳۸۹). محله در محاوره‌های فارسی، یک واحد اجتماعی و محل سکونت اقشاری از جامعه است که به ویژه از نظر اجتماعی، دارای وجوه مشترک هستند (رضازاده و سلسله، ۱۳۸۹).

توسلی، محله را یک اجتماع کوچک طبیعی تعریف کرده که برای برقراری روابط اجتماعی، محیط بسیار مساعدی را به وجود آورده است (توسلی، ۱۳۷۶). رهنمایی، محله را یک واحد جغرافیایی شهری می‌داند که آن را نه عوارض و پدیده‌های طبیعی، بلکه بیشتر قابلیت ارائه خدمات شهری معین می‌کند (رهنمایی، ۱۳۶۹).

کواپن^۱، محله را از منظر برنامه‌ریزی شهری، تعریف می‌کند و آن را بخش قابل شناسایی محدوده شهری یا محدوده ترکیب شده از کاربری‌های تأمین‌کننده نیازهای ساکنان در ساختار شهر می‌داند (Cowan, 2005).

نظریه‌های مرتبط با محله

سیر تحول مفهوم محله در حوزه شهرسازی را می‌توان در قالب روند دگرگونی دیدگاه‌های مربوط به آن دنبال کرد. شروع توجه علمی به امور مشارکت محلی از دهه ۱۹۱۰ به بعد آغاز شد. برای اولین بار کلرنس‌پری^۲ از مفهوم واحد همسایگی برای حل مشکل حمل‌ونقل در بسیاری از مراکز شهری و مناطق مسکونی در دسترسی ساکنان به مدارس ابتدایی و مراکز تجاری استفاده کرد. مفهوم محله در نظریه کلرنس‌پری، یک طرح برای آرایش زندگی اجتماعی خانواده‌ها بود (Diyanah & Abadual Karimi, 2012).

لوئیز مامفورد^۳ در سال ۱۹۵۴ به دفاع از نظریه برنامه‌ریزی از طریق محله‌ها (کلرنس‌پری) که هنوز در عمل به طور گسترده مورد استفاده قرار نگرفته بود، پرداخت. استنباط او این بود که محله‌ها یک واقعیت اجتماعی هستند که «هر کجا که انسان‌ها با هم جمع شوند، ایجاد می‌شود». همین دلیل کافی بود که نتیجه‌گیری کند که باید محله‌ها را از طریق برنامه‌ریزی و دوراندیشی آگاهانه رونق داد؛ به طوری که عضوی از اندام‌های اصلی یک شهر یکپارچه شوند (مدنی‌پور، ۱۳۸۹).

براور^۴ (۱۹۹۶)، معتقد بود که محله، یک مکان است؛ مکانی که مردم در آن زندگی می‌کنند. مکانی که دارای خانه‌هایی برای زندگی و کاربری‌هایی مانند مدرسه، کلیسا و فروشگاه می‌باشد، اما وجود این کاربری‌ها نمی‌تواند آن را فراتر از مفهوم محله یا کمتر از آن نماید (عبداله‌زاده طرف و همکاران، ۱۳۸۹).

1 - Cowan

2 - Clerens Perry

3 - Louiz Mamford

4 - Braour

هاشیم^۶ (۲۰۰۵) معتقد است که با توجه به افزایش نرخ شهرنشینی، یک نیاز مبرم برای بهبود زندگی اجتماعی در محله‌های امروز وجود دارد؛ بنابراین محله، مهم‌ترین عنصر شهری است که پایداری اجتماعی و اقتصادی را در منطقه ایجاد می‌کند (Hashim, 2005). راپاپورت^۷ (۲۰۰۹)، در نظریه خود اظهار می‌کند که محلات، مکان‌هایی هستند که به وسیله آن ساکنین می‌توانند هویت خودشان را تعریف کنند؛ به این ترتیب، محله، هویت اجتماعی را برای واحدهای فضایی در شهر ایجاد می‌کند (Campbell et al., 2009). برایانت^۸ (۲۰۰۶)، توسعه پایدار محلی را دیدگاهی می‌داند که با نقش شهروندان در توسعه، مطابق و هماهنگ است (Bryant, 2006).

پینیگر^۹ در بحثی در مورد برنامه‌ریزی محله اعتقاد داشت که برنامه‌ریزی محله‌ای به عنوان یک مفهوم ارزشمند، نتیجه مجموعه بحث‌هایی است که در طول صد سال گذشته در کانون برنامه‌ریزی شهری و مسائل مربوط به مدیریت شهری انجام شده است. او توسعه مفاهیم طراحی، عناصر تشکیل‌دهنده و توسعه شهری ایده‌آل و نقش واحد محله به عنوان یک وسیله از سازمان فیزیکی و اجتماعی را چارچوبی ایده‌آل برای بهبود دموکراسی محلی و مشارکت در فرایند برنامه‌ریزی مشارکتی محله‌مدار معرفی کرده است (Pinnegar, 2012). در جدول ۱ ویژگی‌های آرمانی محله از دیدگاه صاحب‌نظران رایج شده است.

کرتزمن و مک‌نایت^۱ (۱۹۹۷)، اظهار کردند که برای توسعه محله، دو راه وجود دارد: یکی تمرکز بر نیازهای محلی، کمبودها و مشکلات محله و دیگری تأکید بر شناسایی منابع و ظرفیت‌های محله و بهره‌گیری از آن. این پژوهشگران در مطالعات خود، تأکید فراوانی بر نگرش دارایی‌مبنا در مدیریت و توسعه محله دارند و آن را جایگزینی برای رویکرد نیازمبنا برمی‌شمارند (نادری بوانلو و پرتوی، ۱۳۸۹).

شوبرت^۲ در سال ۲۰۰۰ در زمینه اهمیت استراتژیک محله معتقد بود که برنامه‌ریزی توسعه شهری و نیز مدیریت شهری جدید، از چند لحاظ حساس است: محله‌ها، بافت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی فرهنگی شهرها را شکل می‌دهند؛ محله‌ها می‌توانند نقطه عزیمت برای ایجاد انسجام اجتماعی در شهرها باشند؛ محله‌ها زمینه اصلی برای فعالیتهای حیاتی شهری، شامل کار، مسکن و تفریح هستند. شوبرت در همین زمینه با اتکا به تجارب جوامع پیشگام آمریکایی و اروپای شمالی یادآور می‌شود که برای هرگونه توسعه شهری، به‌ویژه از نوع مشارکتی آن لازم است در درجه اول به پتانسیل‌های محله‌ای، توسعه درون‌زای محله‌ای و شراکت‌های مالی و مشارکت‌های مردمی محله‌ای توجه شود (Freestone, 2000).

پارکر^۳ رویکرد محله‌محوری را در برداشت جدیدش، نوعی توسعه شهری نو سنتی^۴ می‌داند. در این برداشت جدید، روح مشارکت شهری جدید در فضاهای شهری خرد محله‌ای، بیشتر نمایان می‌شود؛ آنچه می‌توان از آن تعبیر به مشارکت شهری محله‌مدار (NCUP)^۵ کرد (Parker, 2003).

6 - Hashim
7 - Rappaport
8 - Bryant
9 - Pinnegar

1 - Kertezman and Mak Night
2 - Schubert
3 - Parker
4 - Neo-traditional urban development
5 - Neighborhood-Centered Urban Participation

جدول ۱- ویژگی‌های آرمانی محله از دیدگاه صاحب‌نظران

پاتریک گدس ^۱	توجه به فضای سبز، تقویت ارتباط ساکنان با طبیعت، تحقق بعد اجتماعی و کالبدی محلات
هاوارد ^۲	کاهش مضرات زندگی صنعتی ناشی از تراکم کار و فعالیت از طریق گسترش فضای سبز
اشتاین ^۳ ، رایت ^۴ ، واگنر ^۵ و گودمن ^۶	حفظ واحدهای محله‌ای در برابر عوارض شهرنشینی، مرکزیت بخشیدن به محله‌ها در برنامه‌ریزی‌ها، تأمین نیازمندی‌های عمومی، وجود فضای باز و سبز، ایمنی در رفت‌وآمد سواره و تأمین مسکن
پرسمن ^۷	گسترش فضای سبز در مقیاس محلی، مرمت و گسترش مسیرهای پیاده‌رو، حفظ طبیعت سالم و زیبا، اعتدال در رفت‌وآمد سواره، تشویق پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری
وایت ^۸	برنامه‌ریزی دقیق برای محله‌ها، توجه به محیط طبیعی محله، حل معضلات اجتماعی محله با تأکید بر مدیریت محله‌ای، پیوند محله با فضای سبز، توجه به ارتفاع و حجم ساختمان‌ها و عدم تراکم ساختمان‌ها در محله‌ها
ویلسون ^۹ و کالینگ ^{۱۰}	توجه به سلامتی و بهداشت محله، توجه به محیط‌زیست سالم، فقدان فقر و تكدی‌گری، کاهش مناظر زشت و بی‌معنا در سطح محله، توجه به وضعیت بی‌خانمان‌ها و برنامه‌ریزی برای رفع جرم و اعتیاد در محله
استرنبرگ ^{۱۱}	ارتباط مناسب بین محیط کار و محل سکونت، توجه به نیازمندی‌های روزمره مردم، توجه به امنیت در سطح محله، مصونیت از شبکه‌های حمل‌ونقل، حفظ حریم خصوصی محله، برخورداری از طبیعت سالم (آب روان، هوای پاک، آسمان آبی و فضای سبز)، متعارف بودن تراکم ساختمان‌های مسکونی و توجه به مشارکت مردم در اداره محله از برنامه‌ریزی تا طراحی و اجرا

منبع: (معمار، ۱۳۹۰)

1 - Patrick Geddes

2 - Howard

3 - Stein

4 - Wright

5 - Wagner

6 - Godman

7 - Persman

8 - White

9 - Wilson

10 - Kaling

11 - Sternberg

۴- روش تحقیق

روش این پژوهش، توصیفی، تحلیلی و پیمایشی می‌باشد. کلیه اطلاعات این تحقیق، به صورت کتابخانه‌ای و از منابع موجود در قالب کتاب‌ها، رساله‌ها و نقشه‌ها استناد شده و کار میدانی شامل مشاهدات مکرر از محدوده مورد مطالعه، انجام مصاحبه و تکمیل پرسشنامه بوده است. پرسشنامه از نوع محقق‌ساخته می‌باشد و تکمیل آن به شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده انجام شده است. برای تعیین پایایی پرسشنامه، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضریب محاسبه شده برابر با ۰/۸۶ می‌باشد؛ این مقدار، نشان‌دهنده قابلیت اعتماد بالای سؤالاتی است که رضایت‌مندی فرد را اندازه می‌گیرد. جامعه آماری پژوهش حاضر، جمعیت شهر بوکان می‌باشد که براساس سرشماری سال ۱۳۹۰، ۱۷۱،۷۷۳ نفر جمعیت داشت و نمونه آماری آن با روش کوکران و ضریب خطای ۵ درصد، ۳۸۳ طبق فرمول ۱ به دست آمد که برای کاهش خطا، نمونه آماری به ۴۰۰ نفر افزایش یافت.

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)} \quad (1)$$

$$n = \frac{\frac{(1.96)^2 (0.5)(0.5)}{(0.05)^2}}{1 + \frac{1}{171773} \left(\frac{(1.96)^2 (0.5)(0.5)}{(0.05)^2} - 1 \right)} \sim 383$$

در این فرمول، n : تعداد نمونه مورد نیاز، t : اندازه متغیر در توزیع طبیعی، q : نسبت بقیه واحدها به حجم جامعه آماری، p : نسبت واحدهای دارای صفت مفروض و d : سطح اطمینان مورد نظر یا اشتباه پذیرفتنی را نشان می‌دهد (گودرزی، ۱۳۸۸).

گروه هدف در این پژوهش شامل پاسخگویان در سطح محلات ۳ ناحیه شهرداری بود که دامنه سنی آنها بین ۲۰ تا ۶۵ سال انتخاب شده است. همچنین برای

تجزیه و تحلیل اطلاعات، از مدل ویکور استفاده گردید. پس از طراحی پرسشنامه، اقدام به پخش آن در بین شهروندان شد که مبنایی برای مدل تحقیق قرار گرفت. مدل VIKOR برای ارزیابی گزینه به کار می‌رود که همزمان به یک اولویت‌بندی در معیارها دست می‌زند. همان‌طور که اشاره شد پرسشنامه‌ها اساس محاسبات مدل قرار گرفتند که در مرحله دوم، داده‌های خام به‌دست آمده از پرسشنامه، در یک جدول بر مبنای فرمول (۳) بی‌مقیاس شدند (جدول ۲) سپس بیشترین مقدار و کمترین مقدار هر سطح از معیارها تعیین شد. در مرحله بعد، طبق روش تعیین وزن توان رتبه‌ای، اقدام به وزن‌دهی معیارها در پنج سطح خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم شد. در مرحله ۵ براساس فرمول (۶) و (۷) مقدار مطلوبیت و نامطلوبیت هر معیار به‌دست آمد و در نهایت براساس فرمول (۸) مقدار آماره VIKOR به‌دست آمد که مبنایی برای نتیجه‌گیری‌های آتی شد.

محدوده مورد مطالعه

شهر بوکان، مرکز شهرستان بوکان با پهنه‌ای حدود ۸ کیلومتر مربع در جنوب استان آذربایجان غربی، در ۳۶ درجه و ۳۱ دقیقه عرض شمالی و ۴۶ درجه و ۱۲ دقیقه طول خاوری نسبت به نصف‌النهار گرینویچ قرار دارد و ارتفاع آن از سطح دریای آزاد ۱۳۷۰ متر می‌باشد. اهمیت موقعیت نسبی شهر، به مراتب بیش از موقعیت ریاضی آن است و دلیل آن قرار گرفتن این شهر بر سر راه شهرهای مهم منطقه غرب کشور مانند تبریز، زنجان، سنندج و ارومیه می‌باشد.

برای انجام پژوهش مورد نظر، محدوده کلی شهر بوکان با توجه محدوده خدمات شهری، به سه ناحیه تقسیم شد و پرسشنامه و بررسی‌های میدانی مورد نظر در این نواحی، تکمیل گردید که در ادامه، محدوده هر یک از نواحی به طور اجمالی معرفی می‌شوند.

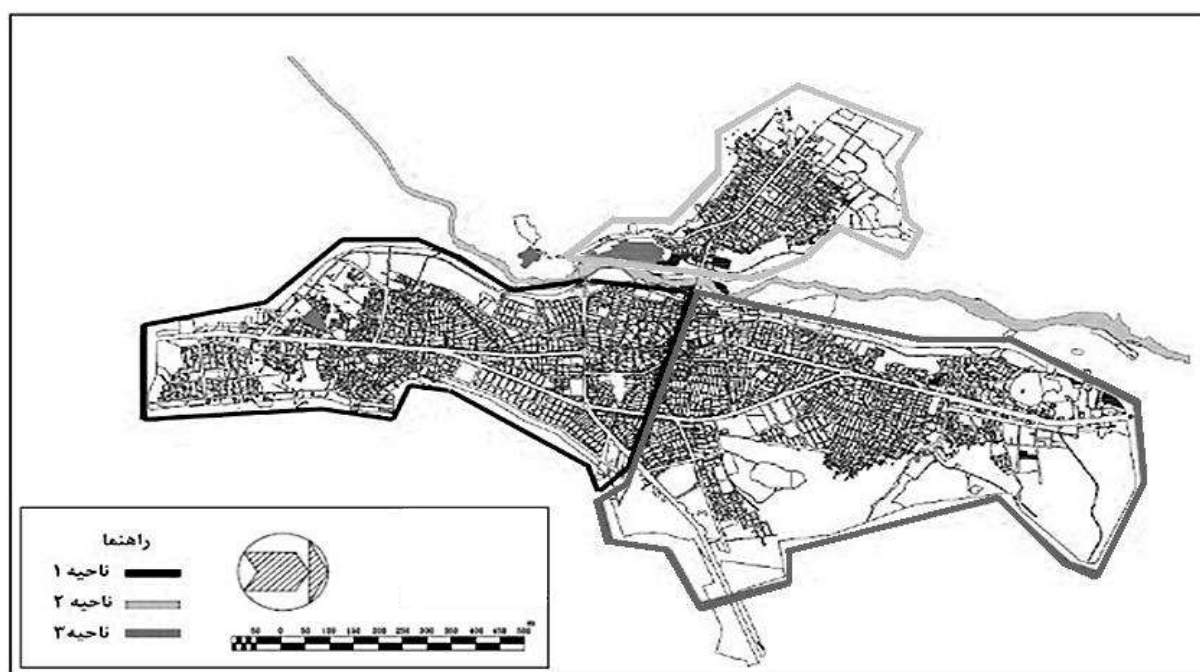
■ ناحیه ۱: قسمت جنوبی شهر بوکان از طرف شهرستان سقز تا چهارراه اسکندری را شامل می‌شود.

ناحیه امیرآباد را در برگرفته و ناحیه مجزا است که مرز جدایی با بخش اصلی شهر دارد.

■ ناحیه ۳: بخش شمالی شهر بوکان که ورودی شهر از طرف شهرستان میاندوآب را دربر می گیرد، بخش هم مرز با ناحیه ۱ دارد. این ناحیه، محله علی آباد، محله اسلام آباد، محله پشت ترمینال میاندوآب، محله پشت ترمینال مهاباد، شهرک پشت کارخانه نساجی، کلهر آباد، محله جهودان، محله سیلو و محله پشت دخانیات را دربر می گیرد (آهنگری، ۱۳۸۹)، (نقشه ۱).

وجه مشخصه این ناحیه، وجود بخش مرکزی شهر و مراکز تجاری است، همچنین این قسمت، شهرک فرهنگیان جدید، محله کلتپه، کوی محمدیه، فرهنگیان قدیم، محله میدان فوتبال، پشت بیمارستان قدیم، کوی ابوذر، محله آموزش و پرورش، محله مسجد جامع با قلعه سردار، محله پشت گذر خیابان و محله بازار را نیز شامل می شود.

■ ناحیه ۲: قسمت غربی شهر بوکان که توسط رودخانه سیمینه رود از بخش مرکزی شهر جدا شده،



نقشه ۱- محدوده نواحی و محلات شهر بوکان

منبع: (مهندسین مشاور معماری و شهرسازی زیستا، ۱۳۸۰)

۵- یافته‌های تحقیق

مدل ویکور

امروزه یکی از تکنیک‌هایی که مدیران برای تصمیم‌سازی استفاده می‌کنند، تصمیم‌گیری چندمعیاره یا MCDM^۱ نام دارد. این تکنیک، یکی از بهترین روش‌هایی است که برای حل مشکلات به کار می‌رود؛ به دلیل آن که معیارهای مختلفی را برای تصمیم‌گیری در نظر می‌گیرد (Corner & Kirkwood, 1991). از ویژگی‌های تکنیک MCDM، فرایند تصمیم‌گیری است که شامل «تعریف اهداف تصمیم‌گیری»، «جمع‌آوری اطلاعات مربوطه»، «ارزیابی مزایا و معایب شاخص‌ها»، «نظارت بر نتایج، به صورتی که اطمینان حاصل شود که هدف تصمیم‌گیری به دست آمده است یا خیر» و «تولید گسترده‌ترین طیف‌های جایگزین» (Wei-Wen, 2009). از مهم‌ترین مدل‌های چندمعیاره، مدل ویکور است که برای بهینه‌سازی سیستم‌های پیچیده چندمعیاره به کار می‌رود (Opricovic & Tzeng, 2004). اپریکوویچ و تزنگ^۲ در سال ۱۹۸۸ این روش را ارائه کردند و در سال‌های ۲۰۰۲، ۲۰۰۳، ۲۰۰۴ و ۲۰۰۷ آن را توسعه دادند (Atashin Panjeh & Sasani, 2013). این روش که مبتنی بر برنامه‌ریزی توافقی مسائل تصمیم‌گیری چند معیاره است، مسائلی با معیارهای نامتناسب و ناسازگار را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و در شرایطی که فرد تصمیم‌گیرنده قادر به شناسایی و بیان برتری‌های یک مسأله در زمان شروع و طراحی آن نیست (Opricovic & Tzeng, 2007) و استدلال انسان در استفاده از اطلاعات برای تصمیم‌سازی، به صورت تقریبی و عدم قطعیت می‌باشد (Wong & Vincent, 2011). روش ویکور جهت رتبه‌بندی گزینه‌های مختلف به کار می‌رود و بیشتر برای حل مسائل مبهم و ذهنی ریاضی کاربرد دارد (Al-Najjar & Alsyouf, 2003) و بر مبنای راه‌حل‌های توافقی بر مبنای معیارهای متضاد

می‌باشد (Fouladgar et al., 2011). در این مدل همواره چند گزینه مختلف وجود دارد که این گزینه‌ها براساس چند معیار، به صورت مستقل، ارزیابی می‌شوند و در نهایت گزینه‌ها براساس ارزش، رتبه‌بندی می‌گردند (Ramachandran & Alagumurthib, 2013). مدل ویکور یک روش تصمیم‌گیری چندشاخصه (MADM)^۳ توافقی است که بر مبنای روش ال‌پی‌متریک^۴ توسعه یافته است و به عنوان یک تابع کل در برنامه‌نویسی سازش (به صورت زیر)، مورد استفاده قرار می‌گیرد (Hung-Yi et al., 2009):

$$L_{pi} = \left\{ \sum_{j=1}^n [w_i (f_j^* - f_{ij}) / (f_j^* - f_j^-)]^p \right\}^{1/p} \quad (2)$$

$$1 \leq p \leq +\infty ; i=1,2,\dots,I$$

تجزیه و تحلیل براساس روش ویکور

مراحل این روش، شامل گام‌های ذیل است:

۱- محاسبه مقادیر نرمال شده: فرض می‌کنیم m

گزینه و n معیار داریم. گزینه‌های مختلف i به عنوان x_i مشخص شده‌اند. برای گزینه x_i رتبه جنبه λ ام به عنوان x_{ij} مشخص شده و برای سایر گزینه‌ها نیز همین‌طور است. x_{ij} ارزش و مقدار معیار λ ام می‌باشد. برای فرایند نرمال‌سازی مقادیر، جایی که x_{ij} ارزش اصلی گزینه λ ام و بعد λ ام است، از فرمول (۳) استفاده می‌شود (جدول ۲).

$$i=1,2,\dots,m \quad (3)$$

$$j=1,2,\dots,n$$

$$f_{ij} = \frac{x_{ij}}{\sqrt{\sum_{j=1}^n x_{ij}^2}}$$

جدول ۲ - جدول بی‌مقیاس شده معیارهای مورد مطالعه در تکنیک ویکور

-	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم
Mm1	۰/۰۱۸۲۹۴	۰/۰۵۳۰۶۴	۰/۲۷۳۸۳۵	۰/۱۸۸۹۳۱	۰/۲۹۷۰۵۵
Mm2	۰/۰۲۱۵۴	۰/۰۳۹۷۹۸	۰/۳۰۴۹۱۹	۰/۱۷۲۵۸۱	۰/۲۵۹۴۹۶
Mm3	۰/۰۵۲۵۹۴	۰/۲۰۸۹۴۱	۰/۱۹۶۸۶۵	۰/۲۷۹۷۶۳	۰/۱۹۲۱۹
Mm4	۰/۱۵۳۲۱۱	۰/۲۰۸۹۴۱	۰/۱۸۰۵۸۳	۰/۱۵۹۸۶۵	۰/۲۰۴۸۶۶
Mm5	۰/۲۴۰۱۰۶	۰/۳۹۷۹۸	۰/۲۵۳۱۱۲	۰/۱۶۳۴۹۸	۰/۰۷۵۱۱۷
Mm6	۰/۱۲۳۴۸۳	۰/۱۱۲۷۶۲	۰/۱۶۲۸۲۱	۰/۲۵۰۶۹۷	۰/۲۱۸۵۲۳
Mm7	۰/۱۵۷۷۸۴	۰/۰۴۳۱۱۵	۰/۲۲۳۵۰۸	۰/۲۰۵۲۸۱	۰/۱۸۴۳۷۹
Mm8	۰/۱۵۳۲۱۱	۰/۱۴۲۶۱۱	۰/۱۸۴۰۲۳	۰/۲۴۱۶۱۳	۰/۱۰۹۲۶۲
Mm9	۰/۲۰۱۲۳۳	۰/۱۷۹۰۹۳	۰/۱۲۲۸۵۶	۰/۲۱۰۷۳۱	۰/۲۰۱۴۵۱
Mm10	۰/۱۳۰۳۴۴	۰/۳۳۸۲۸۶	۰/۲۲۲۰۲۸	۰/۰۹۰۸۳۲	۰/۱۳۹۹۹۱
M1	۰/۰۴۸۰۲۱	۰/۰۹۲۸۶۳	۰/۱۵۰۹۷۹	۰/۳۱۰۶۴۶	۰/۲۶۶۳۲۵
M2	۰/۰۵۹۴۵۵	۰/۱۳۵۹۷۸	۰/۱۱۳۹۷۴	۰/۲۵۷۹۶۳	۰/۳۸۹۲۴۵
M3	۰/۰۱۳۷۲	۰/۰۳۶۴۸۲	۰/۱۱۹۸۹۵	۰/۳۰۵۱۹۶	۰/۰۴۵۷۵۳۳
M4	۰/۱۵۵۴۹۸	۰/۱۸۹۰۴۲	۰/۰۸۷۳۳۱	۰/۲۶۱۵۹۷	۰/۲۴۵۸۳۹
M5	۰/۲۹۷۲۷۵	۰/۰۳۶۴۸۲	۰/۲۰۵۷۴۶	۰/۱۶۵۳۱۴	۰/۰۹۹۰۱۸
M6	۰/۰۹۳۷۵۶	۰/۲۷۸۵۸۸	۰/۱۸۳۵۴۳	۰/۲۳۰۷۱۴	۰/۰۸۱۹۴۶
M7	۰/۱۳۲۶۳	۰/۲۷۱۹۵۵	۰/۲۰۵۷۴۶	۰/۱۹۰۷۴۷	۰/۰۵۴۶۳۱
M8	۰/۰۹۳۷۵۶	۰/۲۷۸۵۸۸	۰/۱۷۹۱۰۳	۰/۲۳۰۷۱۴	۰/۰۹۲۱۹
M9	۰/۲۲۴۰۹۹	۰/۲۴۵۴۲۳	۰/۱۴۲۰۹۸	۰/۲۰۵۲۸۱	۰/۰۶۴۸۷۴
N1	۰/۳۳۳۸۶۲	۰/۳۵۱۵۵۲	۰/۱۴۶۵۳۹	۰/۰۵۸۱۳۳	۰/۰۵۸۰۴۵
N2	۰/۲۱۴۹۵۲	۰/۱۲۶۰۲۸	۰/۱۹۵۳۸۵	۰/۱۳۰۷۹۸	۰/۲۱۸۵۲۳
N3	۰/۱۷۱۵۰۵	۰/۲۲۵۵۲۴	۰/۲۳۹۷۹	۰/۰۹۰۸۳۲	۰/۱۵۳۶۴۹
N4	۰/۳۲۲۴۹۲	۰/۲۰۵۶۲۵	۰/۱۹۰۹۴۴	۰/۰۵۶۳۱۶	۰/۱۲۶۳۳۴
N5	۰/۳۰۴۱۳۵	۰/۲۶۸۶۳۹	۰/۱۹۸۳۴۵	۰/۰۶۳۵۸۲	۰/۰۵۸۰۴۵
N6	۰/۴۲۵۳۳۱	۰/۱۵۲۵۶	۰/۱۸۷۹۸۴	۰/۰۵۲۶۸۳	۰/۰۴۰۹۷۳
N7	۰/۱۶۰۰۷۱	۰/۲۰۵۶۳۵	۰/۲۵۴۵۹۲	۰/۱۱۰۸۱۵	۰/۱۱۹۵۰۵

منبع: (محاسبات نگارندگان)

جدول شماره ۳ بیشترین و کمترین مقدار هر گزینه بیان شده است.

$$f_j^+ = \text{Max} f_{ij} \quad i=1,2,\dots,m \quad (۴)$$

$$f_j^- = \text{Min} f_{ij} \quad j=1,2,\dots,n \quad (۵)$$

۲- تعیین بهترین و بدترین مقدار: بهترین و بدترین

هر یک از مقادیر در هر معیار را با توجه به جدول ۲

شناسایی می‌کنیم و به ترتیب f_j^+ و f_j^- می‌نامیم. جایی

که f_j^+ بهترین راه‌حل ایده‌آل مثبت برای معیار f_j و f_j^-

بدترین راه‌حل ایده‌آل منفی برای معیار f_j است. در

جدول شماره ۳- بیشترین مقدار و کمترین مقدار هر گزینه

-	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم
f_j^+	۰/۴۲۵۳۳۱	۰/۳۹۷۹۸	۰/۳۰۴۹۱۹	۰/۳۱۰۶۴۶	۰/۰۴۵۷۴۳۳
f_j^-	۰/۰۱۳۷۲	۰/۰۳۶۴۸۲	۰/۱۱۳۹۷۴	۰/۰۵۲۶۸۳	۰/۰۴۰۹۷۳

منبع: (محاسبات نگارندگان)

اگر تمامی f_j^+ را به هم پیوند بزنیم، یک ترکیب بهینه خواهیم داشت که بیشترین امتیاز را خواهد داد که در مورد f_j^- نیز همین‌طور است.

۳- تعیین وزن معیارها: وزن معیارها باید برای بیان اهمیت روابط آنها محاسبه شده باشد که در این مقاله از روش توان رتبه‌ای استفاده شده است. در تحقیق حاضر با استفاده از روش توان رتبه‌ای، اهمیت هر معیار یا وزن را در مقیاسی بین (۰-۱) با استفاده از فرمول $w = \frac{(n-rj+1)^2}{\sum (n-rk+1)^2}$ به دست آوردیم. ابتدا براساس اولویت‌بندی‌هایی که برنامه‌ریزان از طریق پرسشنامه ارائه

داده بودند، رتبه مستقیم داده شد. سپس با استفاده از فرمول $(n-rj+1)^2$ به شاخص‌ها وزن داده و مجموع کل رتبه‌ها منهای رتبه مستقیم به اضافه یک شد و به توان دو رسید. سپس با استفاده از معادله $\frac{(n-rj+1)^2}{\sum (n-rk+1)^2}$ وزن استاندارد شاخص‌ها به دست آمد؛ یعنی وزن معیاری که از فرمول $(n-rj+1)^2$ به دست آمده، بر مجموع کل معیارها که به توان دو رسیده‌اند، تقسیم شده است. در نهایت، وزن هر معیار به ترتیب در جدول ۴ ارائه شد.

جدول ۴- وزن هر گزینه در معیارهای مورد مطالعه

وزن	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم
	۰/۳۹	۰/۳	۰/۱۶	۰/۱	۰/۰۵

منبع: (محاسبات نگارندگان)

۴- محاسبه فاصله گزینه‌ها از راه‌حل ایده‌آل: این مرحله، محاسبه فاصله هر گزینه از راه‌حل ایده‌آل و سپس حاصل جمع آنها برای ارزش نهایی براساس روابط ذیل است:

$$R_i = \max_j [w_i(f_j^+ - f_{ij}) / (f_j^+ - f_j^-)] \quad (6)$$

$$S_i = \sum_{j=1}^n w_i(f_j^+ - f_{ij}) / (f_j^+ - f_j^-) \quad (7)$$

جایی که S_i بیانگر نسبت فاصله گزینه i ام از راه‌حل ایده‌آل مثبت (بهترین ترکیب یا شاخص مطلوبیت) و R_i بیانگر نسبت فاصله گزینه i ام از راه‌حل ایده‌آل منفی (بدترین ترکیب یا شاخص نارضایتی) می‌باشد. برترین رتبه براساس ارزش مقدار سودمندی و بدترین رتبه براساس ارزش مقدار نارضایتی به دست می‌آید که در این پژوهش براساس روابط بالا S_i و R_i به شرح جدول ۵ می‌باشند.

جدول ۵- جدول محاسبه مقدار سودمندی (S_i) و مقدار نارضایتی (R_i) از هر معیار

مقدار نارضایتی	مقدار سودمندی	-
۰/۹۹	۰/۷۵۹	Mm1
۰/۹۹	۰/۷۵۴	Mm2
۰/۹	۰/۵۸۸	Mm3
۰/۶۶	۰/۴۸	Mm4
۰/۹۸۹	۰/۶۱	Mm5
۰/۷۵۸	۰/۶۶۳	Mm6
۰/۹۷۹	۰/۶۸	Mm7
۰/۸۳۶	۰/۹۷	Mm8
۰/۶۱۴۵	۰/۵۷۹	Mm9
۰/۸۳۴۴	۰/۴۷۴۷	Mm10
۰/۹۱۶۶	۰/۷۳۹۹	M1
۰/۸۸۸	۰/۷۲	M2
۰/۸۵	۰/۱۳۸۱	M3
۰/۶۵۵	۰/۴۵۴۴	M4
۰/۸۶	۰/۳۲۲	M5
۰/۹۰۱۶	۰/۵۷۲۸	M6
۰/۹۶۷۲	۰/۵۲	M7
۰/۸۷۷	۰/۵۵	M8
۰/۹۴۲	۰/۴۹۹	M9
۰/۹۵۸۶	۰/۳۴۶	N1
۰/۷۱۵۷	۰/۵۹۲۴	N2
۰/۸۳۴۴	۰/۵۳	N3
۰/۹۶۵۵	۰/۴۴۴	N4
۰/۹۵۹	۰/۴۱۳۴	N5
۰/۹۷۹	۰/۳۷۳	N6
۰/۸۱۱	۰/۵۴۳۶	N7

منبع: (محاسبات نگارندگان)

۵- محاسبه مقدار ویکور Q_i : این مقدار برای هر یک از آنها به صورت زیر تعریف می‌شود:
 در این تحقیق براساس محاسبات محققان، مقادیر زیر در جدول ۶ به‌دست آمد.

$$Q_i = v \left[\frac{S_i - S^-}{S^+ - S^-} \right] + (1-v) \left[\frac{R_i - R^-}{R^+ - R^-} \right] \quad (۸)$$

جدول ۶- بیشترین و کمترین مقدار سودمندی (S_i) و مقدار نارضایتی (R_i)

S^- (کمترین سودمندی)	S^+ (بیشترین سودمندی)	R^- (کمترین نارضایتی)	R^+ (بیشترین نارضایتی)
۰/۱۳۸۱	۰/۹۷	۰/۶۱۴۵	۰/۹۹

منبع: (محاسبات نگارندگان)

در فرمول ۸، $S^- = \min S_i$ ، $S^+ = \max S_i$ ، $R^- = \min R_i$ ، $R^+ = \max R_i$ و وزن استراتژی اکثریت موافق معیار یا حداکثر مطلوبیت گروهی است.
 بیانگر نسبت فاصله از راه‌حل ایده‌آل منفی گزینه λ و به معنی مخالفت با نسبت گزینه λ است. بنابراین هنگامی که مقدار v بزرگتر از ۰/۵ باشد، شاخص Q_i منجر به اکثریت موافق می‌شود و هنگامی که مقدار آن کمتر از ۰/۵ می‌شود، شاخص Q_i بیانگر نگرش منفی اکثریت است. به طور کلی وقتی مقدار v برابر با ۰/۵ است، بیانگر نگرش توافقی متخصصان ارزیابی است. مقدار Q_i در این پژوهش برای هر معیار به شرح جدول ۷ می‌باشد:

بیانگر نسبت فاصله از راه‌حل ایده‌آل منفی گزینه λ و به عبارت دیگر؛ موافقت اکثریت برای نسبت λ است.

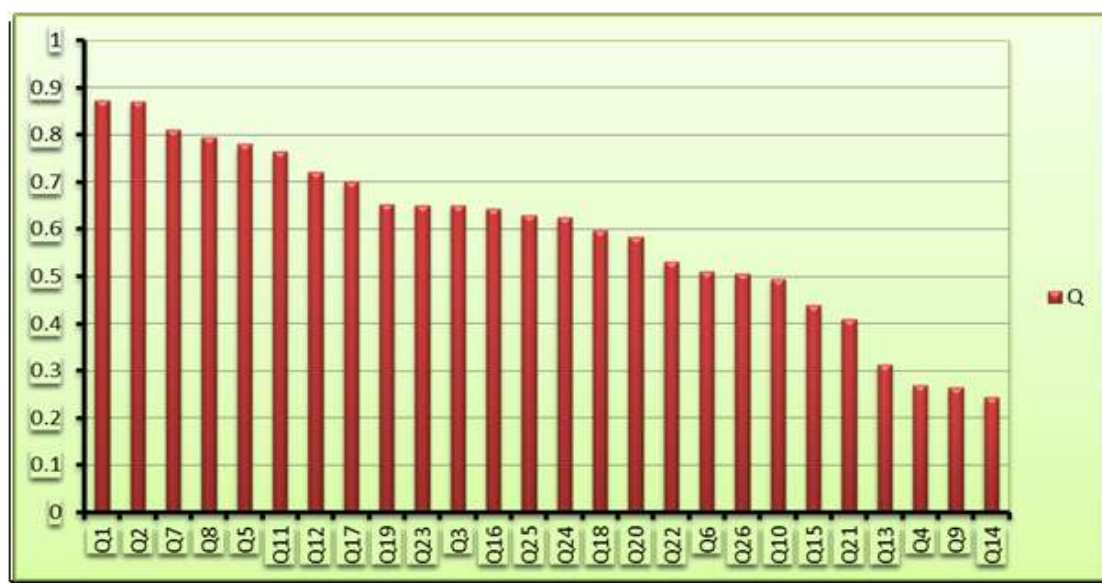
جدول ۷- سؤالات و محاسبه شاخص تکنیک ویکور برای هر معیار یا سؤال

سؤال‌ها	شماره سؤال	سؤالات پژوهش	علامت‌اختصاری	مقدار Q برای هر سؤال
محله‌مداری در محدوده مورد مطالعه	Q ₁	میزان اعتماد بین ساکنان محلات	Mm1	۰/۸۷۳
	Q ₂	میزان شرکت در نهادهای خودجوش مدنی	Mm2	۰/۸۷۰۱۷۷
	Q ₃	انتقاد یا نظر در جهت اداره امور شهر به مدیران شهری	Mm3	۰/۶۵۰۵۶۵
	Q ₄	توجه به عناصر هویت‌زا در محله (مسجد، میدان، مرکز محله و...)	Mm4	۰/۲۶۶۰۷۹
	Q ₅	میزان تمایل به ایجاد تعاونی مشترک در محل	Mm5	۰/۷۸۲۲۹۶
	Q ₆	میزان تمایل به عضویت و همکاری شرکت در جلسات شورایی	Mm6	۰/۵۰۶۵۶۱
	Q ₇	میزان مشارکت در تهیه طرح‌های شهرسازی برای بهبود وضعیت کالبدی محله	Mm7	۰/۸۱۱۰۵۳
	Q ₈	میزان همکاری و مشارکت با نیروهای خدماتی شهرداری در امور مربوط به نظیف محله	Mm8	۰/۷۹۴۹۴
	Q ₉	میزان همکاری در پرداخت به موقع عوارض شهرداری در زمینه بهبود محیط محله	Mm9	۰/۲۶۴۹۹۶
	Q ₁₀	میزان رعایت قوانین و مقررات شهرسازی و ساخت‌وساز	Mm10	۰/۴۹۵۱۱۸
مدیریت شهری	Q ₁₁	ایجاد امکانات تفریحی و گذران مناسب اوقات فراغت	M1	۰/۷۶۳۹۶۶
	Q ₁₂	ایجاد فضای مناسب آموزشی مدرسه و مهدکودک	M2	۰/۷۱۳۹۲۳
	Q ₁₃	بهره‌گیری از ظرفیت‌های مشارکت مردم در محلات	M3	۰/۳۱۳۵۸۲
	Q ₁₄	شناسایی نیازها، مشکلات و اولویت‌های شهروندان در سطح محلات	M4	۰/۲۴۴۰۳۵
	Q ₁₅	تغییرات فیزیکی در محله در جهت بهبود وضعیت محله	M5	۰/۴۳۷۴۲۸
	Q ₁₆	هماهنگی سازمان‌های متولی امور شهری در امور محله	M6	۰/۶۴۳۵۶
	Q ₁₇	تقویت روزافزون حس تعلق شهروندان به شهر و شهرداری	M7	۰/۶۹۹۱۷۵
	Q ₁₈	مبنا قراردادن محله در تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و تخصیص امکانات (محله‌محوری)	M8	۰/۵۹۷۱
	Q ₁₉	برقراری ارتباط پایدار بین ساکنین محلات و مدیریت شهری (شورا و شهرداری)	M9	۰/۶۵۲۹۹۸
نقده نهادهای مختلف	Q ₂₀	مدیران و متخصصان	N1	۰/۵۸۳۱۴۴
	Q ₂₁	سازمان‌های غیردولتی (NGO)	N2	۰/۴۰۷۸۰۳
	Q ₂₂	انجمن‌های مدارس	N3	۰/۵۲۸۳۵۵
	Q ₂₃	شورا و انجمن محله	N4	۰/۶۵۱۲۳۳
	Q ₂₄	ریش‌سفیدان و معتمدان محلی	N5	۰/۶۲۴۱۸۶
	Q ₂₅	سازمان‌های خیریه	N6	۰/۶۲۶۵۳۶
	Q ₂₆	گروه‌های ویژه متشکل از ساکنان محلی	N7	۰/۵۰۵۳۷

منبع: (محاسبات نگارندگان)

معیارهای بالای ۰/۸ امتیاز، معیارهای بالای ۰/۷ امتیاز، معیارهای بالای ۰/۶، معیارهای بالای ۰/۵ امتیاز، معیارهای بالای ۰/۴ و معیارهای دارای کمتر از ۰/۴ امتیاز، که هر کدام شدت میزان نارضایتی از معیارهای مورد بررسی را نشان می‌دهند. در نمودار زیر سطح رضایت شهروندان از هر کدام از سطوح محله‌مداری دیده می‌شود.

۶- رتبه‌بندی گزینه‌ها براساس مقادیر Q_I : در این مرحله براساس مقادیر Q_I محاسبه شده در گام قبل، گزینه‌ها را رتبه‌بندی و تصمیم‌گیری می‌کنیم. همان‌طور که در نمودار ۱ پیدا است، براساس نظر شهروندان، گزینه‌ها رتبه‌بندی شده‌اند که میزان آن براساس مقدار Q_I مشخص شده است. در تحقیق حاضر برای سهولت بررسی، مقدار Q_I را به چند دسته تقسیم کردیم:



نمودار ۱- مقادیر Q_I برای هر سطح از مشارکت‌های شهروندی

منبع: (محاسبات نگارندگان)

اساس نگارندگان سعی دارند که تصمیمات یا پیشنهادها را براساس سطوح ذکرشده، اتخاذ کنند.

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهاد

اگرچه مسائل مربوط به مشارکت، همیشه مطرح بوده‌اند و آشکالی از آن در قالب همکاری برای اهداف متنوع، شرط بقای جامعه، تلقی می‌شده، ولی در سه دهه اخیر به شدت مورد توجه قرار گرفته‌اند. حتی کشورهایی که از برتری‌های شهروندی برخوردار هستند و همواره جامعه مدنی قدرتمندی داشتند، امروزه از ضرورت ارتقای مشارکت، سخن به میان می‌آورند، تا بدان جا که مشارکت را از جمله نیازهای اولیه انسانی در ردیف غذا،

بیشترین نارضایتی از نظر شهروندان، در سؤالات ۱، ۲، ۷، ۸، ۱۱، ۱۲ در سطح دوم نارضایتی با امتیاز بالای ۰/۷، ۵، ۸، ۱۱، ۱۲ در سطح دوم نارضایتی با امتیاز بالای ۰/۷ قرار دارند. بخش دیگر نظرات شهروندان، در سؤالات ۱۷، ۱۹، ۲۳، ۳، ۱۶، ۲۵، ۲۴ می‌باشند که با بیشتر از ۰/۶ امتیاز، در جایگاه سوم قرار گرفتند. دسته دیگر از نظرات شهروندان با بیشتر از ۰/۵ امتیاز، در ردیف چهارم اهمیت قرار دارند که سؤالات ۱۸، ۲۰، ۲۲، ۶، ۲۶ از این گروه می‌باشند. دسته دیگر سؤالات پرسشنامه که نسبت به گروه قبل با بالاتر از ۰/۴ امتیاز، از اهمیت کمتری برخوردارند شامل سه سؤال ۱۰، ۱۵، ۲۱ می‌باشد و در نهایت، از نظر شهروندان سؤالات ۱۳، ۴، ۹، ۱۴ نسبت به بقیه سؤالات بی‌اهمیت هستند. بر این

پوشاک و سرپناه قرار داده‌اند. یکی از رویکردهای اصلی این مشارکت، مشارکت شهروندی محله‌مدار می‌باشد که پژوهشگران مقاله حاضر این روند و رویکرد را در شهر بوکان با مدل ویکور، مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج حاصل از مطالعات پژوهشگران با استفاده از مدل ویکور نشان می‌دهد که شهروندان از میزان مشارکت در سطح محلات مورد سکونت خود، راضی نیستند. از دلایل این امر نیز پاسخ‌هایی است که شهروندان در پرسشنامه ذکر کرده‌اند.

براساس محاسبات نگارندگان، بیشتر نارضایتی آنها از سطح اول سؤالات؛ یعنی محله‌مداری در محدوده مورد مطالعه می‌باشد که این مهم نشان‌دهنده عدم مشارکت مردم در کارهای صورت گرفته در محدوده شهر و به ویژه محله خود است. گروه سوم سؤالات یعنی نقش نهادهای مختلف، در سطح دوم نارضایتی شهروندان قرار دارد. نهادهای مختلف از جمله NGOها، شوراها و انجمن‌ها به میزان کافی در سطح محلات، وجود ندارند و مردم به طور مستقیم و غیرمستقیم نمی‌توانند در امور مربوط به محل زندگی، دخالت کنند و عملاً نقشی به عهده ندارند. سطح نهمی نارضایتی‌ها، در گروه سؤالات مدیریت شهری می‌باشد که با توجه به امتیازات اخذ شده، این گروه از سؤالات در مدل، رضایت نسبی شهروندان از عملکرد مدیران شهری در محدوده مورد مطالعه را نشان می‌دهند. این مقاله بیشتر به میزان مشارکت شهروندان در اداره محله خود پرداخته است؛ بنابراین عملکرد یا عدم‌عملکرد مدیران شهری نمی‌تواند نشان‌دهنده شهری بهینه باشد.

مقایسه تطبیقی نتایج مقاله زیر با مقاله‌های پیشین؛ از جمله مقاله مافی و رضوی (۱۳۹۱)، همچنین توکلی‌نیا و استادی‌سیسی (۱۳۸۸) نشان می‌دهد که سطح‌بندی مشارکت شهروندان و رضایت‌مندی از امور مدیریت شهری در محلات مسکونی، مورد توجه آن‌ها می‌باشد. در مقاله مافی و رضوی، میزان مشارکت شهروندان در بهبود امور محله، مهم شناخته شده و پیشنهادهای این مقاله

براساس این مهم گذاشته شده است. در مقاله توکلی‌نیا و استادی‌سیسی، پایداری محلات براساس معیارهایی بررسی شده است که معیار اجتماعی (مشارکت شهروندی، برگزاری جلسات، ایجاد مکان‌های عمومی و ...) یکی از آنها می‌باشد که در مقایسه با مقاله پیش رو، کلی‌تر است.

بنابراین با توجه به نتایج به‌دست آمده در راستای بهبود مشارکت‌های شهروندی محله‌مدار در نظام مدیریت شهری در شهر بوکان، پیشنهادهای زیر مطرح می‌گردد:

- با توجه به اینکه بیشتر نارضایتی مردم در عدم مشارکت آنها در امور شهری است، پیشنهاد می‌شود با ایجاد نهادهای مختلف، در تصمیم‌گیری‌های شهری، از شهروندان آگاه و کارآمد، استفاده شود.

- با توجه به اینکه شهروندان در پرسشنامه‌های توزیع شده، از میزان همکاری و مشارکت با نیروهای خدماتی شهرداری در امور مربوط به نظیف محله، میزان تمایل به ایجاد تعاونی مشترک در محل، ایجاد امکانات تفریحی و گذران مناسب اوقات فراغت، ایجاد فضای مناسب آموزشی مدرسه، مهدکودک، احساس نارضایتی شدید کرده‌اند پیشنهاد می‌شود نهادها و سازمان‌های ذی‌ربط، اقدام به ایجاد مؤلفه‌های بالا در سطح محلات کنند.

- ارتباط پایداری بین ساکنین محلات و مدیران شهری (شورا و شهرداری) بیشتر شود.

۷- منابع

- آهنگری، شورش، (۱۳۸۹). *تحلیل مدیریت مواد زاید جامد شهری، با تأکید بر تفکیک و بازیافت زباله؛ مطالعه موردی: شهر بوکان*، پایان‌نامه دوره کارشناسی‌ارشد، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان.
- پیربابایی، محمدتقی؛ سجاذاده، حسن (۱۳۹۰). *تعلق جمعی به مکان، تحقق سکونت اجتماعی در محله سنتی، مجله باغ نظر*، ۸(۱۶)، ۲۸-۱۷.
- توسلی، غلام‌عباس، (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی شهری*، تهران: دانشگاه پیام نور، ۲۵۶.

فنی، زهره؛ فرید، صارمی (۱۳۹۲). رویکرد توسعه پایدار محله‌ای در کلان‌شهر تهران، مورد: محله بهار منطقه ۷، *فصلنامه جغرافیا و توسعه*، ۱۱ (۳۰)، ۵۵-۳۵.

قاسمی، وحید؛ نگینی، سمیه، (۱۳۸۹). بررسی تأثیر بافت محلات بر هویت اجتماعی، با تأکید بر هویت محله‌ای در شهر اصفهان، *فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، ۲ (۷)، ۱۳۶-۱۱۳.

گودرزی، سعید، (۱۳۸۸). کاربرد آمار در علوم اجتماعی، چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، ۴۳۴.

مافی، عزت‌اله؛ رضوی، محمدحسن، (۱۳۹۱). برنامه‌ریزی استراتژیک توسعه محله‌ای با تأکید بر متغیرهای اجتماعی؛ مطالعه موردی: محله طلاب شهر مشهد، *فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری منطقه‌ای*، شماره ۱۴، ۳۰-۱۵.

مدنی‌پور، علی، (۱۳۸۹). فضاهای عمومی و خصوصی شهر، فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران، ۲۸۸.

معمار، ثریا، (۱۳۹۰). تحلیل جامعه‌شناختی نیازهای اجتماعی و کالبدی محلات شهر از دیدگاه توسعه پایدار محله‌ای (مطالعه محلات شهر اصفهان)، *فصلنامه مسائل اجتماعی/ایران*، ۲ (۱)، ۱۳۳-۱۰۷.

مهندسين مشاور معماری و شهرسازی زیستا (۱۳۸۰). طرح توسعه و عمران (جامع) شهر بوکان، سازمان مسکن و شهرسازی استان آذربایجان غربی، شهرداری بوکان.

میرموسوی، سیدعلی، (۱۳۷۵). مبانی دینی و فرهنگ سیاسی مشارکتی، *فصلنامه نقد و نظر*، شماره ۸-۷، ۹۸-۹۰.

نادری بوانلو، محمد؛ پروین، پرتوی، (۱۳۸۹). تدوین الگوی محله‌محوری در مدیریت شهری، با توجه به ویژگی‌های شهر مشهد، *فصلنامه معماری و شهرسازی*، شماره ۵، ۸۰-۶۳.

Al-najjar, A., Alsyouf, I. (2003). Selecting the most efficient maintenance approach using fuzzy multiple criteria decision making, *journal of production economics*, vol. 84, 85-100.

Aiello, A., Ardone, Rita Grazia, Scopelliti Massimiliano. (2010). Neighbourhood planning improvement: physical attributes, cognitive and affective evaluation and activities in two neighbourhoods in

توکل‌نیا، جمیله؛ استادی‌سیسی، منصور، (۱۳۸۸). تحلیل پایداری محله‌های کلان‌شهر تهران با تأکید بر عملکرد شورایی‌ها نمونه موردی: محله‌های اوین، درکه و ولنجک، *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی/انسانی*، شماره ۷۰، ۴۳-۲۹.

نقّه‌الاسلامی، عمیدالاسلام؛ امین‌زاده، بهناز، (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی مفهوم و اصول به کار رفته در محله ایرانی و واحد همسایگی غربی، *فصلنامه هویت شهر*، ۷ (۱۳)، ۴۴-۳۳.

حبیبی، سیدمحسن؛ سعیدی رضوانی، هادی، (۱۳۸۴). شهرسازی مشارکتی، کاوشی نظری در شرایط ایران، *فصلنامه هنرهای زیبا*، شماره ۲۴، ۲۴-۱۵.

رضازاده، راضیه؛ سلسله، علی (۱۳۸۹). مروری بر سیاست‌های توسعه پایدار محله‌ای با رویکرد دارایی‌مبنا و تأکید بر سرمایه‌های اجتماعی و کالبدی، *فصلنامه معماری و شهرسازی*، ۲ (۴)، ۱۳۹-۱۲۱.

رفیعیان، مجتبی؛ اسلامی، غلامرضا؛ هودسنی، هانیه، (۱۳۸۶). ادراک ذهنی ساکنین محله از فرایند مشارکتی توسعه (نمونه موردی: محله جلفا- تهران)، *مجله علوم انسانی*، شماره ۱۵، ۶۸-۵۵.

رهنمایی، محمدتقی، (۱۳۶۹). مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی (جغرافیا)، چاپ اول، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی مرکز تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

زیاری، کرامت‌اله، (۱۳۸۸). مبانی و تکنیک‌های برنامه‌ریزی شهری، سالنامه آماری استان آذربایجان غربی، (۱۳۸۶). چاپهار: انتشارات دانشگاه بین‌المللی چابهار، ۴۷۴.

صفری‌شالی، رضا، (۱۳۸۲). بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی موثر بر میزان مشارکت زنان روستایی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان زنجان، شماره ۱۶-۱۵، ۴۱-۳۱.

عبداله‌زاده‌طرف، اکبر؛ بهزادفر، مصطفی؛ نقی‌زاده، محمد، (۱۳۸۹). بسط مفهوم محله با آناتومی مفهوم اجتماع، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناسی*، ۲ (۱۷)، ۸۹-۱۰۴.

عبداللهی، مجید؛ صرافی، مظفر؛ توکل‌نیا، جمیله، (۱۳۸۹). بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن با تأکید بر شرایط محله‌های شهری ایران، *پژوهش‌های جغرافیایی/انسانی*، شماره ۷۲، ۱۰۲-۸۳.

- on balanced scorecard, *expert systems with applications*, vol.36, 10135–10147.
- Jih-jeng, H., Gwo-hshiung, T., Hsiang-His, I. (2009). A revised vikor model for multiple criteria decision making-the perspective of regret theory, the smithsonian/nasa astrophysics data system.
- Lenzi, Michela, Vieno Alessio, Pastor, Massimiliano, Santinello, Massimo. (2013). Neighborhood social connectedness and adolescent civic engagement: an integrative model, *journal of environmental psychology*, vol.34, 45-54
- McGee, T.K. (2011). Public engagement in neighbourhood level wildfire mitigation and preparedness: case studies from Canada, the Us and Australia, *journal of environmental management*, vol. 92, 2524-2532.
- Mei-Tai, C., Shyu, J., and Tzeng, G., Rajiv Khosla, J. (2007). Comparison among three analytical methods for knowledge communities group-decision analysis, *expert systems with applications*, vol. 33, 1011-1024.
- Momenia, M., Shamskooshkia, H., javadiana, M. (2011). Application of neighborhoods council associations in sustainable urban management based on citizen participation, *international conference on green buildings and sustainable cities, engineering*, vol. 65-71.
- Opricovic, S., Tzeng, G. (2007). Extended vikor method in comparison with outranking methods, *European journal of operational research*, vol. 178, 514–529.
- Opricovic, S., Tzeng, G. (2004). Compromise solution by mcdm methods: a comparative analysis of vikor and topsis, *European journal of operational research*, vol.156, 445–455.
- Parker, S. (2003). *Urban theory & urban experience*. Routledge.
- Pinnegar, S. (2012), *Neighbourhood Planning*, *International Encyclopedia of Housing* Rome, *evaluation and program planning*, vol. 33, 264-275.
- Atashin panjeh, S., Sasani, A. (2013). Applying logarithmic fuzzy preference programming and vikor methods for supplier selection: a case study, *journal of American science*, vol.9, 105 -109.
- Bryant, S.L. (2006). Community foundations the asset- based development of an Australian community organization as a foundation source for sustainable community development. Phd. Thesis Australia: Rmtt University.
- Campbell, E.J.R., henly, D., Elliott, S., Irwin, K. (2009). Subjective constructions of neighborhood boundaries: lessons from a qualitative study of four neighborhoods”, *journal of urban affairs*, vol.31, 461-490.
- Corner, J., Kirkwood, C.W. (1991). Decision analysis applications in the operations research literature, *operation research*, 39(2), 206-219.
- Cowan, R. (2005). *The dictionary of urbanism*, London, street wise press.
- Diyanah, I., Abdul karim, H. (2012). Implications of walkability towards promoting sustainable urban neighbourhood, *journal of social and behavioral sciences*, vol.50, 204-213.
- Fouladgar, M., yazdani-chamzini, M., Haji, A., Yakhchali. S. (2011). Project portfolio selection using vikor technique under fuzzy, *Environment international conference on construction and project management* vol.15, 236-240.
- Freestone, R. (2000). *Urban planning in changing world, e & FN spod*.
- Hashim, H. (2005). Harmonious community living in urban neighbourhoods: a case of central shah alam. retrieved April 05, 2011 from 8th. International Asian planning schools association congress (apsa 2005), “cities for people”.usm, Malaysia.
- Hung-yi, W., Gwo-Hshiung, T., Yi-Hsuan, C. (2009). A fuzzy mcdm approach for evaluating banking performance based

- and Home, University of New South Wales, Sydney, NSW, Australia, 78-84.
- Ramachandran, L., Alagumurthi, N. (2013). Lean manufacturing facilitator selection with vikor under fuzzy environment, *international journal of current engineering and technology*, vol. 3, 2277–4106.
- Saeidi, S., Oktay, D. (2012). Diversity for better quality of community life: evaluations in Famagusta neighbourhoods, Asia Pacific International Conference on Environment-Behaviour Studies, Famagusta, North Cyprus, *social and behavioral sciences*, vol. 35, 495 – 504.
- Sarvarzadehaand, S.K., Syed Zainol, A. (2012). Problematic issues of citizen's participation on urban heritage conservation in the historic cities of Iran, *social and behavioral sciences*, vol. 50, 214 – 225.
- Wei-wen, Wu. (2009). *Applying DEA and PLS path modeling for efficiency evaluation*, vol. 8, 1228-1237.
- Wonga, B. K., Vincent, S.L. (2011). A survey of the application of fuzzy set theory in production and operations management: 1998-2009, *international production economics*, vol. 129, 157-168.